

عنوان مقاله: مدل تمایل به اقتباس خطمشی دولت باز در ایران

فرج‌اله رهنورد^۱ - نوشین مومن کاشانی^۲ - محمود شیرازی^۳ -

مهدی مرتضوی^۴

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۸

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

چکیده:

بر اساس چارچوب اشاعه خطمشی، برخی از خطمشی‌ها توسط خطمشی‌گذاران اقتباس می‌شوند. از سوی دیگر، «دولت باز» راه‌حلی را برای حل چالش‌های حکومت مانند فساد اداری، بی‌اعتمادی شهروندان به دولت، ارتباط اندک بین حاکمیت و مردم، و ضعف در همکاری و تعامل میان اجزای نظام اداری ارائه می‌دهد. این پژوهش با هدف کلی ارتقای اثربخشی نظام خطمشی‌گذاری کشور، به تحلیل تمایل خطمشی‌گذاران در اقتباس خطمشی دولت باز می‌پردازد. در این پژوهش، از راهبرد پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده می‌شود. در مرحله کیفی با بهره‌گیری از روش فراترکیب، عوامل مؤثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی در ایران و روابط میان متغیرها شناسایی می‌شوند و در مرحله کمی، با انجام پیمایش و تحلیل داده‌ها، مدل نهایی ارائه می‌شود. نتایج پژوهش مبتنی بر تحلیل ۱۱۶ خطمشی‌گذار نشان می‌دهد که مطلوبیت ادراک‌شده، ریسک ادراک‌شده، ادراک از ظرفیت اجرای خطمشی، انگیزه رقابت‌جویی، شناخت موضوع، همسویی با فشارها، تمایل به نوآوری، احساس امنیت سیاسی، و حاد بودن مساله بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت دارند. همچنین، تمایل به دولت باز، رابطه میان ریسک ادراک‌شده، ادراک از ظرفیت اجرای خطمشی، و همسویی با فشارها را بر تمایل به اقتباس خطمشی تعدیل می‌کند. این پژوهش دارای راهکارهای اجرایی و پژوهشی است.

کلیدواژه‌ها: خطمشی عمومی، اقتباس خطمشی، اشاعه خطمشی، دولت باز، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندان.

۱. دانشیار گروه مدیریت دولتی
موسسه عالی آموزش و
پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
(نویسنده مسئول).

f.rahnnavard@imps.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری
عمومی، موسسه عالی آموزش و
پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
n.momenkashani@imps.
ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت صنعتی،
دانشکده مدیریت و حسابداری،
دانشگاه شهید بهشتی.
m-shirazi@sbu.ac.ir

۴. دانشیار گروه مدیریت صنعتی،
دانشکده مدیریت و اقتصاد،
دانشگاه تربیت مدرس.
m-mortazavi@modares.
ac.ir

مقدمه

چندین دهه است که اشاعه خطامشی^۱ به یکی از موضوع‌های برجسته پژوهشی در دنیا تبدیل شده است (Berry & Berry, 1990; Boushey, 2010; Gray, 1973; Karch, 2007; Savage, 1985; Walker, 1969). اشاعه خطامشی زمانی رخ می‌دهد که خطامشی‌ها در یک واحد (برای مثال، کشورها، ایالات، و شهرها) تحت تاثیر اقتباس‌های قبلی خطامشی در دیگر واحدها باشند. پژوهش‌های فراوانی به‌طور قانع‌کننده، این پدیده را تایید کردند اما عمده این پژوهش‌ها به‌جز چند مورد، بر اقتباس خطامشی تمرکز کردند (Gilardi *et al.*, 2017). موضوع دیگر دولت باز و داده باز است. داده باز جنبش در حال رشدی است که دولت‌ها را تشویق می‌کند، تا جایی که امکان دارد، اطلاعات و داده‌های خود را در اختیار عموم مردم بگذارند، به نحوی که دسترسی به آن‌ها آزادانه و برای ماشین‌ها خوانا باشند تا شفافیت و پاسخگویی دولت را افزایش دهند و منجر به افزایش مشارکت شهروندی و رشد اقتصادی شوند (Doyle, 2015). بررسی سیر تاریخی تحولات حاکمیت نشان می‌دهد که در زمان‌های مختلف و جوامع گوناگون، مدل‌ها و رویکردهای مختلفی برای رفع چالش‌های به‌وجود آمده در حاکمیت بکار گرفته شدند. از آرمان‌شهر افلاطون و مدل مدینه فاضله فارابی گرفته تا مدل حاکمیت خوب بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ و رویکردهای اخیر حاکمیت الکترونیکی^۲ و حاکمیت باز^۳ که هر کدام از آن‌ها از جنبه‌های مختلف، در شناسایی راه‌حل‌ها و حل مشکلات و بهبود حاکمیت نقشی اثرگذار دارد. دولت باز در تعریف، روشی مدرن در حاکمیت است که فضای جدیدی را برای باز بودن^۴، شفافیت، و دیالوگ پیوسته میان شهروندان و دولت فراهم می‌آورد (Parycek & Sachs, 2010). از زمان بیانیه اداری اوپاما در سال ۲۰۰۹ که راهبردهای دولت باز را در ایالات‌متحده بنیاد نهاد، دولت بریتانیا در دسامبر ۲۰۰۹، دولت استرالیا در می ۲۰۱۰، دولت دانمارک در جولای ۲۰۱۰، و اتحادیه اروپا، خطامشی‌ها و راهبردهایی را برای دولت باز در نظر گرفته‌اند (Jung & Park, 2015). بسیاری از پژوهش‌ها در سراسر دنیا بر لزوم انجام پژوهش‌های بیش‌تر در زمینه دولت باز، به‌ویژه در بافت خاص حاکمیت مانند یک قلمرو یا یک کشور تاکید می‌کنند (Gascó-Hernández, 2014; Wirtz & Birkmeyer, 2015; Dawes *et al.*, 2016).

1. Policy Diffusion
2. E-Governance
3. Open Governance
4. Openness

بررسی اجمالی خطمشی‌های تصویب‌شده در حوزه دولت باز، مانند قانون دسترسی آزاد به اطلاعات نشان می‌دهد که فرایند خطمشی‌گذاری لزوماً در چارچوب اکتشاف مراحل صورت نگرفته است. به دیگر سخن، چنین خطمشی‌هایی با اقتباس از دیگر کشورها در دستور کار قرار گرفته و مراحل قانونگذاری را طی کرده است. از این‌رو، مساله اصلی این پژوهش، کنکاش در خصوص تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی است. در ضمن، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که عدم اجماع قابل‌توجهی میان خبرگان در خصوص عوامل کلیدی موثر بر اقتباس خطمشی وجود دارد (Berry & Berry, 2018; Allard, 2004; Nicholson-Crotty, 2004). برای مثال، والکر (۱۹۶۹) سطح توسعه‌یافتگی کشورها را عاملی کلیدی در اقتباس خطمشی می‌داند. در حالی که نیکلسون-کروتی (۲۰۰۴) مدعی است که شباهت ایدئولوژیک بین کشورها در اقتباس خطمشی نقش محوری دارد. این در حالی است که هنوز هیچ پژوهشی در خصوص تمایل خطمشی‌گذاران برای اقتباس خطمشی در ادبیات خطمشی‌گذاری دیده نمی‌شود. به عبارتی دیگر، پژوهش‌های صورت‌گرفته ناظر بر سطح دولت یا حکومت‌های محلی هستند. بنابراین، نتایج این پژوهش در ارتقای دانش اقتباس خطمشی در سطح فردی بسیار تعیین‌کننده است. در ضمن، برای تبیین رفتار خطمشی‌گذاری در چارچوب اقتباس و اشاعه خطمشی در ایران پژوهشی انجام نشده است که بتوان تمایل بازیگران سیاسی را در اقتباس خطمشی تبیین کرد. بر اساس این، پژوهش حاضر در راستای ارتقای اثربخشی نظام خطمشی‌گذاری کشور و تدوین مدل بومی تمایل به اقتباس خطمشی دولت باز در ایران انجام می‌شود. یافته‌های این پژوهش نه تنها در شناسایی متغیرهای کلیدی موثر بر اقتباس خطمشی و به تبع آن ترمیم شکاف پژوهشی تاثیرگذار است، بلکه با مدلسازی رفتار اقتباس خطمشی در سطح فردی، حوزه دانش جدیدی را در ادبیات اقتباس خطمشی مطرح می‌سازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، مرور جامع و نظام‌مندی بر ادبیات پژوهش در سه بخش کلی خطمشی‌گذاری عمومی، اقتباس، و اشاعه خطمشی عمومی، ادبیات دولت باز، و عوامل موثر بر اشاعه خطمشی انجام گرفت. در هر بخش، مفاهیم، ابعاد، و مدل‌ها، مورد بررسی قرار گرفتند. از آن‌جا که در این پژوهش در بخش کیفی، از روش فراترکیب استفاده شده است، تمامی پژوهش‌های نظری مبنای مطالعه فراترکیب قرار گرفته‌اند و نتایج تحلیل نظام‌مند مرور ادبیات در ادامه ارائه می‌شود.

اقتباس خط‌مشی عمومی

دای^۱ (۲۰۱۳)، خط‌مشی عمومی را آن چیزی تعریف می‌کند که «حکومتی انتخاب می‌کند، آن را انجام دهد، یا ندهد» (ص ۳). به سخن دیگر، نه تنها اقدام‌های دولت نشانگر خط‌مشی عمومی است، بلکه اقدام نکردن نیز از نظر دای (۲۰۱۳) نوعی خط‌مشی عمومی محسوب می‌شود. تا اواسط دهه ۱۹۸۰، تاثیرگذارترین چارچوب برای فهم فرایند خط‌مشی، «رویکرد مرحله‌ای» یا «اکتشاف مراحل»^۲ یا به تعبیر ناکامورا^۳ (۱۹۸۷) «رویکرد کتاب درسی» بود. همزمان با این رویکرد که به وسیله لاسول^۴ (۱۹۵۶)، جونز^۵ (۱۹۷۰)، اندرسون^۶ (۱۹۷۵)، و بروئر و دلئون^۷ (۱۹۸۳) توسعه یافت، می‌توان فرایند خط‌مشی را به مجموعه‌ای از گام‌ها (دستورگذاری، تدوین خط‌مشی، مشروعیت‌بخشی، اجرا، و ارزشیابی) تقسیم کرد و برخی از عوامل موثر را بر فرایند درون هر یک، مورد بحث قرار داد. این چارچوب از راه تقسیم فرایند بسیار پیچیده خط‌مشی به درون مراحل مشخص و انجام پژوهش در مراحل تدوین و اجرای خط‌مشی به رشد رشته خط‌مشی کمک کرد (Sabatier & Weible, 2014). ساباتیو و وایبل (۲۰۱۴) معتقد هستند که رویکرد مرحله‌ای عمر مفید خود را طی کرده و ضروری است که جای خود را به چارچوب‌های نظری بهتری بدهد. وی چهار معیار را برای انتخاب چارچوب‌های جدید در مقابل رویکرد مرحله‌ای پیشنهاد می‌کند و بر اساس آن معیارها، چارچوب‌های هفت‌گانه چارچوب اکتشاف مراحل، انتخاب عقلایی نهادی، جریان‌های چندگانه، چارچوب تعادل گسسته، چارچوب ائتلاف جانبدارانه، چارچوب اشاعه خط‌مشی، قیف علیّت، و دیگر چارچوب‌های مطالعه تطبیقی را برای تبیین فرایند خط‌مشی عمومی مطرح ساخته است. چارچوب اشاعه خط‌مشی به وسیله بری و بری (۱۹۹۰) برای تبیین نوسان (تغییرپذیری) در پذیرش نوآوری‌های خط‌مشی میان تعداد زیادی از دولت‌های محلی آمریکا تدوین شد. بر اساس این چارچوب، اقتباس خط‌مشی تابعی از ویژگی‌های سیستم‌های سیاسی و گونه‌ای از فرایند اشاعه است. این چارچوب می‌تواند برای تبیین نوسان‌های خط‌مشی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا مجموعه‌های دیگر سیستم‌های سیاسی بکار گرفته شود. در این پژوهش، این چارچوب به عنوان مبنای نظری قرار گرفته است.

1. Dye
2. Stages Heuristic
3. Nakamura
4. Lasswell
5. Jones
6. Anderson
7. Brewer & Deleon

دویل^۱ (۲۰۰۶) معتقد است که مطالعه در مورد تفاوت‌های میان دولت‌ها در خصوص خطمشی‌هایشان، از زمان آغاز علوم سیاسی مدرن وجود داشته است. وی بر این باور است که پژوهش پیشگام در این موضوع، پژوهش هرن و گریسولد^۲ (۱۹۹۴) است که به مطالعه نوآوری‌های خطمشی دولت می‌پردازند و ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت و اقتباس اشکال معین نوآوری خطمشی را در دولت‌ها تشریح می‌کنند. تبیین‌های نظام‌مند از این که چرا دولت‌ها در خطمشی‌هایی که اقتباس می‌کنند، تفاوت دارند، به‌تازگی آغاز شده است. پژوهشگران ابتدا به مشاهده سنجه‌های مستقیم از مشابهت‌های میان دولت‌ها در زمینه مشخصه‌ها و خطمشی‌هایشان مانند همبستگی میان درآمد و هزینه‌های تحصیلی در دولت پرداختند. اما امروزه، جریان پژوهش‌ها برای درک مشخصه‌های داخلی و بیرونی دولت‌ها و همچنین احتمال اقتباس خطمشی‌های معین پیش می‌روند. یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در این ادبیات، مفهوم اشاعه است (Doyle, 2006). تبیین‌های متعددی در مورد این که چرا دولت‌ها خطمشی‌های جدیدی اقتباس می‌کنند، در ادبیات موضوع مطرح شده است. فیوک و وست^۳ (۱۹۹۳) بر اساس آنچه در ادبیات موضوع تا زمان پژوهش‌شان مطرح شده بود، هفت تبیین برای اقتباس خطمشی فرموله کردند: مدل خطمشی‌گذاری بر اساس نیاز/واکنشی، مدل اشاعه نوآوری، مدل نهادهای سیاسی، مدل فدرالیزم، مدل اقتصادی، مدل تاثیر گروه‌های ذی‌نفع، و ظرفیت اداری (ظرفیت بوروکراسی).

اغلب در ادبیات نوآوری خطمشی، نوآوری را به عنوان برنامه‌ای تعریف می‌کنند که برای دولت اقتباس‌کننده جدید باشد (Walker, 1969). برخی از پژوهش‌های نوآوری دولت مانند بروکس^۴ (۲۰۰۶) چندکشوری بوده و نحوه شکل‌دهی برنامه‌های جدید توسط کشورها و چگونگی اشاعه چنین برنامه‌هایی را میان کشورها بررسی کرده است. ایتو^۵ (۲۰۰۱) نیز بر نوآوری دولت‌های محلی یا منطقه‌ای در کشورها متمرکز شدند (as cited in Sabatier & Weible, 2014, p. 247). راجرز^۶ (۲۰۱۰) اشاعه را به این صورت تعریف می‌کند: «اشاعه فرایندی است که به کمک آن یک نوآوری در طول زمان، از مجاری خاصی در میان اعضای یک سیستم اجتماعی مبادله می‌شود» (ص ۵). این فرایند نوع خاصی از مبادله است که در آن پیام‌ها با ایده‌های نو و جدید همراه هستند. چهار عنصر اصلی این تعریف شامل نوآوری، مجاری مبادله، زمان، و سیستم اجتماعی هستند (Rogers, 2010).

1. Doyle
2. Hearn & Griswold
3. Feiock & West
4. Brooks
5. Ito
6. Rogers

پژوهش‌ها در زمینه نوآوری‌های خطمشی دولت، مدل‌های اشاعه‌ای را تایید می‌کنند که در یک سیستم اجتماعی متشکل از زیرمجموعه‌های دولتی (برای مثال، ۵۰ ایالت در ایالات متحده یا ۲۸ کشور در اتحادیه اروپا) الگوی اقتباس خطمشی در میان حکومت‌های عضو از این امر ناشی می‌شود که یک عضو با رفتار دیگر اعضا رقابت می‌کند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که اشاعه خطمشی زمانی رخ می‌دهد که پتانسیل اقتباس یک خطمشی از سوی یکی از زیرمجموعه‌های یک دولت، تحت تاثیر انتخاب خطمشی از سوی دیگر دولت‌های موجود در سیستم قرار گرفته باشد. با این حال، نظریه‌های موجود سازوکارهای جایگزین زیادی معرفی می‌کنند که با استفاده از آن‌ها، انتخاب خطمشی توسط یک زیرمجموعه می‌تواند بر تصمیم دیگر دولت‌ها تاثیر بگذارد. در این زمینه، دست‌کم پنج سازوکار تعریف شده است: یادگیری، تقلید، فشار هنجاری، رقابت، و اجبار^۱ (Berry & Berry, 1990; as cited in Sabatier & Weible, 2014). یادگیری زمانی رخ می‌دهد که خطمشی‌گذاران یک زیرمجموعه، از مسیر دولت‌هایی که پیش از آن‌ها خطمشی خاصی را در پیش گرفتند، اطلاعاتی در خصوص کارایی (یا موفقیت) این خطمشی کسب می‌کنند (Braun & Gilardi, 2006). ما زمانی می‌گوییم که دولت الف از دولت ب تقلید کرده که دولت الف خطمشی‌ای را اقتباس کند که از سوی دولت ب اقتباس شده است؛ تنها به این دلیل که شبیه {ب} به نظر برسد (Shipan & Volden, 2008). زمانی که دولت الف، یک خطمشی را نه به دلیل تقلید از یک دولت خاص و نه به دلیل یادگیری از تجربیات دیگر دولت‌ها، بلکه به این دلیل که مشاهده می‌کند این خطمشی از سوی تعداد بسیاری از دولت‌ها اقتباس شده‌اند؛ به دلیل هنجارهای مشترک، آن خطمشی را بکار می‌گیرد. در این حالت گفته می‌شود که دولت الف در برابر فشارهای هنجاری، سر فرود آورده و تصمیم گرفته است تا خود را با دیگران وفق دهد (Sugiyama, 2011). زمانی که تصمیم دولت مبنی بر اقتباس یک خطمشی با تمایل صاحب‌منصبان آن برای دستیابی به سود اقتصادی بیش‌تر نسبت به دیگر زیرمجموعه‌ها یا ممانعت از دستیابی سایر زیرمجموعه‌ها به سود بیش‌تر همراه باشد، گفته می‌شود که این خطمشی از راه رقابت، اشاعه یافته است. زمانی که دولت قدرتمند ب، اعمالی را در پیش می‌گیرد که انگیزه الف را برای اقتباس یک خطمشی افزایش می‌دهد یا در موارد حاد، الف را وادار به اقتباس یک خطمشی خاص می‌کند، در این‌جا دولت الف مجبور به اقتباس شده است.

بری و بری (۲۰۱۸) مدل‌هایی را که بیش از همه به نوآوری در خطمشی پرداخته‌اند، در شش گروه دسته‌بندی می‌کنند: مدل تعامل ملی^۲، مدل اشاعه منطقه‌ای^۳، مدل‌های رهبر دنباله‌رو^۴، مدل‌های

1. Coercion
2. National Interaction
3. Regional Diffusion
4. Leader-Laggard

هم‌شکل‌گرایی، مدل‌های نفوذ عمودی^۱، و مدل‌های عوامل تعیین‌کننده داخلی. مدل‌های عوامل تعیین‌کننده داخلی مدعی‌اند که عوامل ترغیب اقتباس یک خط‌مشی جدید، ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی دولت‌ها هستند. چنین مدل‌هایی فرض می‌کنند که به محض آن که یک دولت از یک خط‌مشی آگاه شد، آیا ویژگی‌های داخلی آن هستند که تعیین می‌کنند اقتباس رخ خواهد داد؟

دولت باز

ویرتز و بیرکمیر (۲۰۱۵) در پژوهش خود، ادبیات موضوع «دولت باز» را به منظور درک روشن و ارائه یک تعریف یکپارچه از دولت باز، در مجموعه اثرهای منتشرشده در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار دادند. ویرتز و بیرکمیر (۲۰۱۵) چارچوبی برای دولت باز ارائه نموده و دولت باز را به عنوان فرایندی چندجانبه، سیاسی، و اجتماعی شامل کنش ویژه شفاف، همکاری، و مشارکتی توسط دولت و امور اداری تعریف می‌کنند. برای رسیدن به چنین شرایطی، شهروندان و گروه‌های اجتماعی باید با کمک اطلاعات مدرن و فناوری‌های ارتباطی در فرایندهای سیاسی یکپارچه شوند و با کارایی و اثربخشی، اقدام‌های دولتی و اداری را بهبود بخشند. آن‌ها معتقدند که قلب داخلی دولت باز شامل سه ستون است: شفافیت، مشارکت، و همکاری. این ستون‌ها ارزش عمومی را ارتقا می‌دهند. به‌علاوه این سه ستون بر روابط G2C^۲ و G2B^۳ تأثیر می‌گذارند. این سه باهم حلقه داخلی دولت باز را می‌سازند. این حلقه داخلی تحت تأثیر عوامل خارجی چون فناوری، پاسخگویی، قوانین و مقررات، و پذیرش و اعتماد به دولت هستند که از آن‌ها به عنوان سنگ زیربنا یاد می‌شود. البته پذیرش و اعتماد و همچنین پاسخگویی، با حلقه داخلی در تعامل هستند. آن‌ها بر این باورند که دولت باز می‌تواند ارزش عمومی را ارتقا دهد و دولت‌ها باید نسبت به فناوری‌های نوظهور که عامل موفقیت هستند، باز عمل کنند (Wirtz & Birkmeyer, 2015). گسکوهرناندز^۴ (۲۰۱۴) به منظور تبیین یک دولت باز، به صورت زیر این ابعاد را خلاصه می‌کند و تعریف عملیاتی ارائه می‌دهد:

دولت شفاف، یک دولت پاسخگو است و به شهروندان اطلاعاتی در خصوص راهبردها، برنامه‌ها، و عملکردش ارائه می‌دهد.
دولت همکارانه، دولتی است که شهروندان و سایر نقش‌آفرینان بیرونی و درونی را در طراحی، ارائه، و ارزیابی خدمات عمومی درگیر می‌کند.

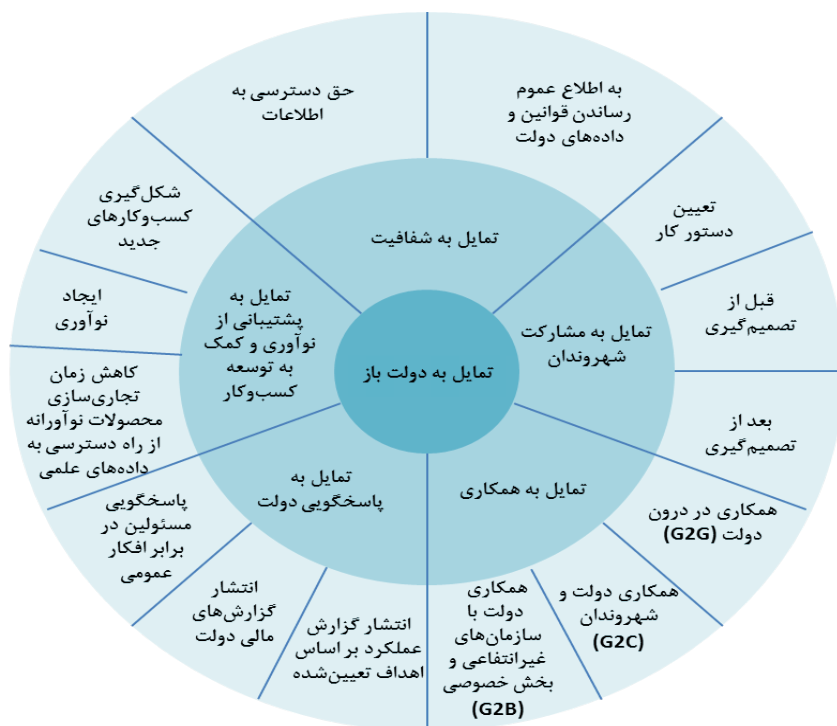
1. Vertical Influence
2. Government to Customer
3. Government to Business
4. Gasco-Hernandez

دولت مشارکتی، دولتی است که مشارکت شهروندان را در فرایندهای سیاسی، به‌ویژه در طراحی خط‌مشی‌های سیاسی افزایش می‌دهد.

دولتی که استفاده از دو ابزار را در اولویت قرار می‌دهد: داده باز (یعنی داده‌ای که در شکل استاندارد و ساختاریافته موجود است، توسط ماشین خواندنی است و این تضمین وجود دارد که به صورت رایگان و در طول زمان وجود داشته باشد) و کنش باز (یعنی استفاده از ابزارهای اینترنتی، به‌ویژه استفاده از رسانه‌های اجتماعی و وبلاگ‌نویسی). توجه به تعاریف متعدد از دولت باز نشان می‌دهد که بیش‌تر پژوهشگران شفافیت، مشارکت، و همکاری را به عنوان سه عنصر اصلی دولت باز می‌شناسند و در ضمن، استفاده از فناوری‌های مبتنی بر اینترنت را برای گسترده‌تر نمودن زمینه اجرایی مفهوم دولت باز ضروری می‌دانند. از نظر این پژوهشگران، داده باز عامل مهمی در شفاف نمودن عملکرد دولت است و شهروندان را قادر می‌سازد تا دولت را در برابر تعهداتش پاسخگو نمایند. کاراماجیولی و همکاران^۱ (۲۰۱۴) دولت باز را به این صورت تعریف کرده‌اند: «دولت باز به عنوان یک برچسب همه‌جانبه برای یک سیستم حاکمیتی شفاف، دسترس‌پذیر، و واکنش‌گر توصیف شده است، جایی که اطلاعات از مسیرهای بسیاری به صورت آزادانه به سوی حکومت و خارج از آن حرکت می‌کند» (ص ۳۹). امروزه، شاخص دولت باز توسط پروژه عدالت جهانی^۲ (WJP) بر مبنای چهار بُعد به اطلاع عموم رساندن قوانین و داده‌های دولت^۳، حق دسترسی به اطلاعات^۴، مشارکت مدنی^۵، و سازوکارهای شکایت^۶ سنجیده می‌شود. ایران در این شاخص در بین ۱۰۲ کشور، رتبه ۹۹ را کسب کرده است.

برای تعریف عملیاتی سازه تمایل به دولت باز، از ادبیات موضوع در حوزه‌های مختلف بهره گرفته شده است. به عنوان نمونه، آجنز و فیشباین^۷ (۱۹۷۵) در نظریه نگرش خود این‌گونه فرض می‌کند که بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتار یک فرد، سنجش تمایل به انجام آن رفتار در اوست. همچنین، تعریف این سازه بر مبنای مولفه‌ها و ابعاد دولت باز، ارائه شده است. به این ترتیب «تمایل به دولت باز» همان‌طور که در شکل (۱) نمایش داده شده است، سازه‌ای چند بعدی است و عبارت‌اند از میل و رغبت خط‌مشی‌گذار نسبت به شفافیت، مشارکت شهروندان، همکاری، پاسخگویی دولت، و پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب‌وکار.

1. Karamagioli *et al*
2. World Justice Project
3. Publicized Laws and Government Data
4. Right to Information
5. Civic Participation
6. Complaint Mechanisms
7. Ajzen & Fishbein



شکل ۱: متغیر تمایل به دولت باز

باید در نظر داشت که در ایران با هدف استقرار حاکمیت مطلوب، دیدمان دولت باز مورد توجه قرار گرفته و در قوانین، ابعاد، و مولفه‌های گوناگون آن انعکاس یافته است. به عنوان نمونه، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، نمودی از توجه به شفافیت در دولت باز است.

عوامل موثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی

بخش عمده‌ای از عوامل و متغیرهای موثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی از ادبیات موضوع استخراج شده است که در جدول (۱) خلاصه شده است. لازم به اشاره است که عوامل متعددی در سطوح فردی و سازمانی، حکومت محلی، و دولت بر اقتباس خطمشی عمومی تاثیرگذار هستند. اما با توجه به واحد تحلیل این پژوهش که در سطح فردی است، سایر متغیرها در سطوح دیگر منظور نشده‌اند، مانند توان مالی دولت، سطح توسعه اقتصادی، کارآفرینان خطمشی، و درآمد سرانه ایالت که در سطح تحلیل حکومت محلی یا کشور مطرح هستند و فرهنگ سازمانی،

سطح تمرکز سازمانی، عوامل ساختاری سازمانی، و درجه رسمی بودن سازمان که در سطح تحلیل سازمان قابل بررسی هستند، اشاره کرد.

جدول ۱: متغیرهای موثر بر تمایل خط‌مشی‌گذاران به اقتباس خط‌مشی

متغیر	منبع	نوع متغیر	متغیر	منبع	نوع متغیر
تمایل به اقتباس خط‌مشی	Berry & Berry (2018)	وابسته	ریسک	Chen <i>et al</i> (2015)	مستقل
	Maggetti & Gilardi (2016)		ادراک شده	Kim <i>et al</i> (2008)	
				Slovic (1993)	
				Lee (2009)	
				Hirunyawipada & Paswan (2006)	
ادراک از ظرفیت اجرای خط‌مشی	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	مستقل	مطلوبیت	Venkatesh & Davis (2000)	مستقل
	Tolbert <i>et al</i> (2008)		ادراک شده	Lee (2009)	
				Kim <i>et al</i> (2008)	
انگیزه رقابت‌جویی	Bearfield & Bowman (2017)	مستقل	همسویی با فشارها	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	مستقل
	Grimmelikhuijsen & Welch (2012)			Relly (2012)	
	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)			Shkabatur & Peled (2016)	
				Tolbert <i>et al</i> (2008)	
شناخت موضوع	Einstein <i>et al</i> (2019)	مستقل	تمایل به دولت باز	Chatfield & Reddick (2016)	تعدیل‌کننده
	Gilardi <i>et al</i> (2017)			Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	
	Rogers (2010)				
حاد بودن مساله	Allard (2004)	مستقل	احساس امنیت سیاسی	Walker (1969)	میانجی
	Mintrom & Vergari (1996)				
	Stream (1999)				
تمایل به نوآوری	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	میانجی			
	Rogers & Shoemaker (1971)				

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شده است. به این ترتیب که در مرحله اول (مرحله کیفی)، با استفاده از روش فراترکیب^۱، عوامل موثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی در ایران و روابط میان متغیرها شناسایی شده‌اند و مدل مفهومی اولیه شکل گرفته است. سپس در مرحله بعدی (مرحله کمی) با استفاده از گردآوری داده‌های کمی و تحلیل آن‌ها، مدل مورد آزمون قرار گرفته است که در ادامه به اختصار این دو مرحله تشریح می‌شود. در این پژوهش واحد تحلیل فرد است و بازیگران سیاسی را در سطح ملی پوشش می‌دهد. قلمرو پژوهش ناظر بر اقتباس خطمشی عمومی است. داده‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۶ با پرسشنامه از بازیگران سیاسی درگیر در خطمشی‌گذاری (شامل نمایندگان مجلس، نمایندگان ادوار گذشته، و مدیران دولتی با سابقه خطمشی‌گذاری) گردآوری شده‌اند. پیش‌فرض این پژوهش آن است که بازیگران سیاسی با عقلانیت محدود تصمیم‌گیری می‌کنند.

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از دیگر پژوهش‌های کیفی مرتبط با موضوع را بررسی می‌کند و با فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگر، از راه ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد (Noblit & Hare, 1988). روش فراترکیب به این دلیل بکار گرفته شد که ادبیات موضوع، بیش‌تر ناظر بر بررسی متغیرها در سطح دولت و حکومت‌های محلی بود. از این‌رو، لازم بود بر مبنای نظر خبرگان و با اقتباس از پژوهش‌های صورت‌گرفته، مدل مفهومی اولیه در سطح فردی به‌دست آید. در مرحله کمی، از مدلسازی ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده شده است. این روش به چند دلیل انتخاب شده است؛ نخست، بتوان مدل بهینه‌ای را به‌دست آورد. دوم، مدل مفهومی در این پژوهش در مرحله اولیه توسعه است و نظریه‌های پیشین زیادی برای تایید آن وجود ندارد. و سوم، این روش امکان مدلسازی با حجم نمونه کم را فراهم می‌کند (Hair et al., 2014). روش مدلسازی معادله‌های ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی^۲ (PLS)، یکی از رویکردهای نسل دوم مدلسازی معادله‌های ساختاری^۳ (SEM) و واریانس‌محور است و در مقایسه با روش‌های نسل اول که کواریانس‌محور بودند، مزیت دارد. در خصوص تصمیم‌گیری در مورد انتخاب رویکرد مناسب SEM، پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند که در میان آن‌ها پژوهش هسو^۴ و همکاران (۲۰۰۶)

1. Synthesis
2. Partial Least Squares (PLS)
3. Structural Equation Modeling (SEM)
4. Hsu et al

دارای اهمیت است. بر اساس پژوهش هسو و همکاران (۲۰۰۶) و با توجه به این که حجم داده‌ها کم‌تر از ۲۰۰ است، در این پژوهش از روش مدلسازی معادله‌های ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده می‌شود.

در بخش کیفی و در مرحله کنترل کیفیت روش فراترکیب و همچنین ویرایش پرسشنامه، خبرگان و صاحب‌نظران فعال و نقش‌آفرینان در حوزه خطمشی‌گذاری عمومی در ایران یعنی اعضای هیئت‌علمی و استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. در این بخش، به روش نمونه‌گیری هدفمند عمل شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌طوری که از ۱۸ عضو هیئت‌علمی و استاد دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی بهره گرفته شده است.

در بخش کمی و در راستای آزمون مدل تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز در ایران، جامعه آماری شامل نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعم از نمایندگان دوره دهم و نمایندگان ادوار پیشین (دوره‌های قبل از دوره دهم) و همچنین، مدیران دولتی دارای سابقه خطمشی‌گذاری هستند که در مجموع ۲۸۸۰ نفر هستند. در این بخش، برای جمع‌آوری داده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس استفاده شد. در این روش، مواردی انتخاب می‌شوند که فقط در دسترس پژوهشگر هستند. این نمونه‌ها برخاسته از توزیع کنترل نشده پرسشنامه‌ها یا شرکت خودانتخابی افراد نمونه در یک پیمایش هستند. طبق قاعده ۱۰ برابر (پایین‌ترین حجم نمونه باید ۱۰ برابر بزرگ‌ترین تعداد از نماگرهای یک سازه یا ۱۰ برابر بزرگ‌ترین تعداد از مسیرهای ساختاری هدایت‌شده به سوی یک سازه خاص در مدل ساختاری باشد) در این پژوهش حجم نمونه نباید کم‌تر از ۷۰ نفر باشد (Barclay et al., 1995). اما با در نظر گرفتن این واقعیت که نرخ تکمیل پرسشنامه در ایران پایین است، ۳۵۰ پرسشنامه به صورت مکتوب و الکترونیکی در اختیار نمایندگان و مدیران دولتی دارای سابقه خطمشی‌گذاری قرار گرفت و در نهایت، تعداد ۱۱۶ پاسخ دریافت شد که نشانگر نرخ بازگشت ۳۳ درصد است. ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان در جدول (۲) منعکس شده است.

جدول ۲: اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان	سن	جنسیت	نگرش سیاسی	تحصیلات	سمت							
بالای ۵۰ سال	زن	مرد	اعتدال‌گرا	اصول‌گرا	اصلاح‌طلب	سایر	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	نماینده مجلس	مدیر عالی	سایر
۴۹-۴۰ سال	۲۷	۱۲	۳۱	۳۲	۳۰	۲۳	۸	۵۳	۴۹	۵۷	۱۸	۴۱
۳۹-۳۰ سال	۲۴	۲۷	۳۱	۲۶/۷	۲۵/۹	۱۹/۸	۷/۳	۴۸/۲	۴۴/۵	۴۹/۱	۱۵/۴	۳۵/۴
زیر ۳۰ سال	۹	۱۲	۹۲	۸۸/۵	۲۷/۶	۲۵/۹	۱۹/۸	۷/۳	۴۸/۲	۴۴/۵	۴۹/۱	۱۵/۴
فراوانی	۹	۱۲	۹۲	۸۸/۵	۲۷/۶	۲۵/۹	۱۹/۸	۷/۳	۴۸/۲	۴۴/۵	۴۹/۱	۱۵/۴
درصد	۸/۱	۲۱/۷	۲۴/۳	۴۵/۹	۱۱/۵	۸۸/۵	۲۶/۷	۲۷/۶	۲۵/۹	۱۹/۸	۷/۳	۴۸/۲

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج تحلیل داده‌های کیفی و کمی حاصل از دو روش فراترکیب و پیمایش به صورت جداگانه ارائه شده است. در بخش اول، نتایج حاصل از مطالعه کیفی و در بخش دوم نتایج حاصل از مطالعه کمی گزارش شده است.

یافته‌های بخش کیفی

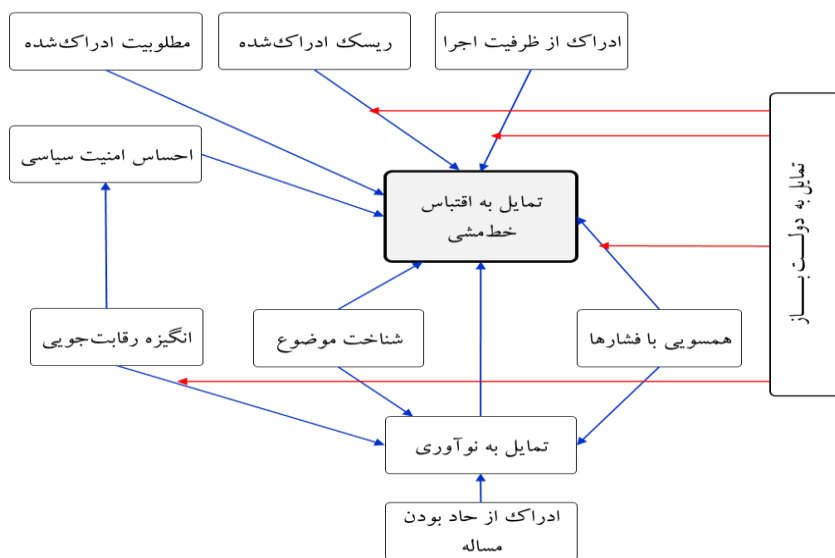
همان‌گونه که اشاره شد، برای بخش کیفی پژوهش از روش فراترکیب و مدل ساندلوفسکی^۱ و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شده است. در ادامه تفکیک مراحل هفت‌گانه این مدل به‌طور خلاصه تشریح می‌شود. با توجه به هدف پژوهش، پرسش اصلی پژوهش طرح شد. برای شروع روش فراترکیب و روشن‌تر شدن مسیر جستجوی نظام‌مند ادبیات پژوهش، پرسش اصلی به صورت «متغیرهای موثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز (مبتنی بر چارچوب اشاعه خطمشی) کدام هستند؟» مطرح شد. بر اساس این، برای مرور ادبیات دو حوزه موضوعی باید مورد بررسی قرار می‌گرفتند: حوزه موضوعی اقتباس و اشاعه خطمشی، و حوزه موضوعی دولت باز. در ادامه، واژگان کلیدی مورد نظر در منابع فارسی و انگلیسی در عنوان، چکیده، و کلیدواژه‌ها مورد جستجو قرار گرفتند و در حوزه موضوعی اول ۹۳۱ منبع و در حوزه موضوعی دوم ۹۱۹ منبع یافت شد که پس از غربال‌گری اولیه بر اساس عنوان منابع و چکیده، و حذف برخی از منابع با توجه به نوع آن‌ها، برای ارزیابی کیفیت منابع شناسایی‌شده، از فهرست «برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی»^۲ استفاده شد و در نهایت، در چند مرحله غربال‌گری به‌ترتیب به تعداد ۳۲ و ۲۶ منبع رسید.

1. Sandelowski et al

2. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

سپس در مرحله «استخراج اطلاعات متون» با مرور و مطالعه مکرر منابع منتخب، کدهای مربوط به پرسش اصلی پژوهش یعنی متغیرهای موثر بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز استخراج شد. در مرحله «تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی» با استفاده از تفسیر یکپارچه نتایج حاصل از مرحله قبل، متغیرهای اصلی شناسایی و روابط بین‌شان مشخص شدند و در نهایت، مدل مفهومی پژوهش شکل گرفت. در این مرحله، به توصیه خبرگان و با توجه به مفهوم مقوله اصلی و متغیر وابسته یعنی «تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز»، مدل‌های تمایل در سایر حوزه‌های موضوعی نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. بر اساس این، دو متغیر «ریسک ادراک‌شده» و «مطلوبیت ادراک‌شده» نیز به مدل اضافه شدند. لازم به توضیح است با توجه به این که در این پژوهش، واحد تحلیل فرد (خطمشی‌گذار) است، برخی از کدها که در واقع متغیرهایی با سطح تحلیل بالاتر بودند و سنجش‌پذیر در سطح فردی نبودند، منظور نشدند.

برای حفظ کنترل کیفیت، پژوهشگر برای کنترل مفاهیم به‌دست‌آمده و وجود پایایی در روش فراترکیب، از نظر خبرگان بهره جست. برای این کار خبرگان با تخصص خطمشی‌گذاری عمومی انتخاب شدند. به صورت تصادفی چند مقاله انتخاب، و برای دستیابی به کدها در اختیار ایشان قرار گرفت. نتایج به عنوان کدگذاری دوم با شاخص کاپا برای سنجش میزان توافق دو کدگذار محاسبه شدند ($K=0/868$). برای اطمینان از روایی، از نظر خبرگان بهره گرفته شد. به این ترتیب که نظر جمعی از خبرگان و صاحب‌نظران فعال و نقش‌آفرینان در حوزه خطمشی‌گذاری عمومی در ایران یعنی اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی در خصوص متغیرهای شناسایی‌شده و روابط بین‌شان اخذ شد. در نهایت، بر اساس نظرهای ایشان مدل مفهومی پژوهش استخراج شد (شکل ۲).



شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش

لازم به توضیح است که با توجه به مبانی نظری و دیدگاه خبرگان، برای سنجش متغیرهای پژوهش از نماگرهای جدول (۳) استفاده شده است.

جدول ۳: سنجه‌های متغیرهای پژوهش

متغیر	نماگر	منبع	نوع متغیر
تمایل به اقتباس خط‌مشی	سازوکارهای اشاعه برای اقتباس خط‌مشی: الگوگیری از دیگر کشورها انتقال ابتکار از دیگر کشورها استفاده از تجارب موفق گذشته یادگیری تقلید	Berry & Berry (2018) Maggetti & Gilardi (2016)	وابسته
ادراک از ظرفیت اجرای خط‌مشی	ظرفیت تکنولوژیکی (فناورانه) ظرفیت سازمانی ظرفیت سازمانی (نهادی)	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016) Grimmelikhuijsen & Feeney (2016) Tolbert <i>et al</i> (2008)	مستقل
انگیزه رقابت‌جویی	رقابت سیاسی رقابت سیاسی	Bearfield & Bowman (2017) Grimmelikhuijsen & Welch (2012) Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	مستقل
شناخت موضوع	کسب اطلاعات خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر ارتباط و شبکه لابی‌گری ادراک‌های خط‌مشی جست‌وجوی فعالانه‌تر برای کسب اطلاعات	Einstein <i>et al</i> (2019) Gilardi <i>et al</i> (2017) Rogers (2010) Rogers & Shoemaker (1971)	مستقل
حاد بودن مساله	حاد بودن مساله حاد بودن مساله حاد بودن مساله	Allard (2004) Mintrom & Vergari (1996) Stream (1999)	مستقل
تمایل به نوآوری	نوآوری دانش نوآوری نگرش مثبت در خصوص تغییر	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016) Rogers (2010) Rogers & Shoemaker (1971) Rogers (2010) Rogers & Shoemaker (1971)	میانجی
احساس امنیت سیاسی	سطح امنیت انتخاباتی مقامات دولتی	Walker (1969)	میانجی

ادامه جدول ۳: سنجه‌های متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	منبع	نماگر	متغیر
مستقل	Chen & Gordon (2015)		
	Kim <i>et al</i> (2008)		ریسک
	Slovic (1993)	ریسک ادراک‌شده	ادراک‌شده
	Lee (2009)		
	Hirunyawipada & Paswan (2006)		
مستقل	Venkatesh & Davis (2000)	مطلوبیت ادراک‌شده	مطلوبیت
	Lee (2009)	سودمندی ادراک‌شده	ادراک‌شده
	Kim <i>et al</i> (2008)		
مستقل	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	فشارهای اجباری، خارجی، رقابتی، و داخلی	
	Relly (2012)	رسانه‌های خبری	همسویی با
	Shkabatur & Peled (2016)	تقاضای داخلی از پایین به بالا فشار سازمان‌های بین‌المللی	فشارها
	Tolbert <i>et al</i> (2008)	تقاضای شهروند	
تعديل کننده	Chatfield & Reddick (2016)	آمدگی بیش‌تر برای حمایت از باز بودن و شفافیت	
	Grimmelikhuijsen & Feeney (2016)	باز بودن نسبت به مشارکت	تمایل به دولت باز
	Veljković <i>et al</i> (2014)	شفافیت، مشارکت شهروندان، همکاری، پاسخگویی، و پشتیبانی از نوآوری	

پرسش‌های پژوهش

با توجه به مدل مفهومی که بر مبنای یافته‌های بخش کیفی به‌دست آمده است، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر طرح می‌شوند:

۱. پرسش اصلی

مدل ساختاری تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی عمومی کدام است؟

۲. پرسش‌های فرعی

- آیا ریسک ادراک شده بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا مطلوبیت ادراک شده بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا ظرفیت اجرای خطمشی بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا تمایل به نوآوری بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا شناخت موضوع بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا همسویی با فشارها بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا احساس امنیت سیاسی بر تمایل به اقتباس خطمشی تاثیرگذار است؟
- آیا شناخت موضوع بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر تمایل به نوآوری تاثیرگذار است؟
- آیا همسویی با فشارها بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر تمایل به نوآوری تاثیرگذار است؟
- آیا حد بودن مساله بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر تمایل به نوآوری تاثیرگذار است؟
- آیا انگیزه رقابت‌جویی بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر احساس امنیت سیاسی تاثیرگذار است؟
- آیا تمایل به دولت باز، روابط بین متغیر مستقل (ریسک ادراک شده، همسویی با فشارها، و ظرفیت اجرای خطمشی) و متغیر وابسته (تمایل به اقتباس خطمشی) را تعدیل می‌کند؟

یافته‌های بخش کمی

برای تحلیل مدل با استفاده از نرم‌افزار PLS3، از الگوریتم هیر و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده که دارای دو مرحله است. در مرحله اول، بررسی برازش مدل در سه بخش انجام می‌شود:

۱. برازش مدل‌های اندازه‌گیری؛ ۲. برازش مدل ساختاری؛ و ۳. برازش کلی مدل. در مرحله دوم فرضیه‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرند. نیاز به اشاره است که در ابتدا داده‌ها بدون در نظر گرفتن «تمایل به دولت باز» تحلیل، و متغیر تعدیل‌کننده به مدل وارد می‌شود تا اثر آن مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این، با توجه به مدل مفهومی پژوهش و تعداد سازه‌های مدل، ده مدل اندازه‌گیری وجود دارد. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا، و روایی واگرا بررسی شده‌اند. بررسی پایایی از سه راه بررسی بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، و پایایی ترکیبی^۱ (CR) انجام شده است. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۵ است (Hulland, 1999). برخی از بارهای عاملی متغیرهای پژوهش مانند V45، V37، V7، و V52 کمتر از ۰/۵ است. از این‌رو، این متغیرها از مدل حذف شدند (جدول ۴).

1. Composite Reliability (CR)

جدول ۴: ضرایب استاندارد شده بارهای عاملی

همسویی با فشارها	ریسک ادراک شده	شناخت موضوع	انگیزه رقابت جویی	حاد بودن مساله	تمایل به اکتباس
V1 ۰/۷۸	V17 ۰/۸۱	V56 ۰/۹۲	V27 ۰/۸۲	V43 ۰/۸۱	V1 ۰/۹۲
V31 ۰/۶۹	V18 ۰/۷۹	V57 ۰/۸۹	V28 ۰/۷۳	V44 ۰/۸۳	V2 ۰/۹۵
V32 ۰/۵۷	V19 ۰/۷۵	V58 ۰/۸۹	V29 ۰/۸۱	V45 -۰/۲۴	V3 ۰/۸۷
V33 ۰/۷۷	V20 ۰/۸۱	ظرفیت اجرا	تمایل به نوآوری	V46 ۰/۸۰	V4 ۰/۹۰
V34 ۰/۷۳	V21 ۰/۸۸	V37 ۰/۰۷	V47 ۰/۸۲	مطلوبیت ادراک شده	V5 ۰/۸۱
V35 ۰/۶۸	احساس امنیت سیاسی	V38 ۰/۸۳	V48 ۰/۸۱	V22 ۰/۸۲	V6 ۰/۸۴
V36 ۰/۷۶	V52 -۰/۰۱	V39 ۰/۷۵	V49 ۰/۷۴	V23 ۰/۷۲	V7 ۰/۰۲
	V53 ۰/۹۴	V40 ۰/۸۲	V50 ۰/۷۳	V24 ۰/۸۲	
	V54 ۰/۹۱	V41 ۰/۷۹	V51 ۰/۸۱	V25 ۰/۸۰	
	V55 ۰/۸۵	V42 ۰/۸۴		V26 ۰/۸۱	

در جدول (۴)، بارهای عاملی بالاتر از ۰/۷ با زیرخط و بارهای عاملی کوچک‌تر از آن بدون زیرخط مشخص شده است. باید در نظر داشت که در صورتی که مقدار بار عاملی کمتر از ۰/۷ به دست آید، ولی تعداد مشاهده‌پذیرها کم (دو یا سه) بوده و AVE متغیر مربوطه بالای ۰/۵ باشد، می‌توان متغیر مشاهده‌پذیر را در مدل اندازه‌گیری انعکاسی حفظ کرد (Hair et al., 2011).

اعتبار و روایی

قواعد مورد استفاده برای ارزشیابی مدل‌های سنجش انعکاسی به شرح زیر هستند.

۱. پایایی سازواری داخلی^۱: پایایی مرکب باید بزرگ‌تر از ۰/۷۰۸ باشد (در پژوهش‌های اکتشافی ۰/۰۶ تا ۰/۷ مورد پذیرش است). آلفای کرونباخ به عنوان سنجح محافظه‌کارانه پایایی سازواری داخلی در نظر گرفته می‌شود.
۲. پایایی نماگر^۲: بارهای عاملی بیرونی نماگر باید از ۰/۷۰۸ بیش‌تر باشد. نماگرهایی با بار عاملی بین ۰/۴ تا ۰/۷ باید تنها زمانی حذف شوند که باعث شوند پایایی مرکب و AVE به بالاتر از مقدار آستانه‌ای پیشنهادی افزایش یابند.

1. Internal Consistency Reliability
2. Indicator Reliability

۳. روایی همگرا^۱: روایی همگرا عبارت است از حدودی که یک مقیاس با مقیاس جایگزین همان سازه به‌طور مثبت همبستگی دارد. بنابراین، نماگرهای یک سازه انعکاسی باید همگرایی بالایی داشته باشند یا در نسبت بالایی از واریانس سهمیم باشند. سنجه AVE باید بالاتر از ۰/۵ باشد. این آماره نشان می‌دهد که چقدر از واریانس یک نماگر توسط سازه (متغیر مکنون) تبیین می‌شود.

۴. روایی واگرا^۲: روایی تشخیصی (واگرا) حدودی است که یک سازه از دیگر سازه‌ها از مسیر استانداردهای تجربی متمایز می‌شود. دو سنجه برای روایی تشخیصی پیشنهاد شده است: بار عاملی بیرونی نماگر یک سازه باید بیش‌تر از تمامی بارهای عاملی آن نسبت به دیگر سازه‌ها باشد. در ضمن، جذر AVE هر یک از سازه‌ها باید بیش‌تر از همبستگی آن با دیگر سازه‌ها باشد.

جدول ۵: مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، و AVE

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
احساس امنیت سیاسی	۰/۸۸	۰/۹۳	۰/۸۱
انگیزه رقابت‌جویی	۰/۶۹	۰/۸۳	۰/۶۲
تمایل به اقتباس	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۷۸
تمایل به نوآوری	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۶۲
ادراک از حاد بودن مساله	۰/۷۵	۰/۸۶	۰/۶۷
ریسک ادراک‌شده	۰/۸۷	۰/۹	۰/۶۵
شناخت موضوع	۰/۸۸	۰/۹۳	۰/۸۱
ادراک از ظرفیت اجرا	۰/۸۷	۰/۹	۰/۶۵
مطلوبیت ادراک‌شده	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۶۳
همسویی با فشارها	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۵۱

همان‌طور که در جدول (۵) دیده می‌شود، برای بررسی پایایی مدل از سه شاخص آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، و AVE استفاده شده است. مطابق جدول (۴)، مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی سازه‌ها مساوی یا بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل است. مقدار CR برای هر سازه بالای ۰/۷، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری است (Nunnally, 1978).

1. Convergent Validity
2. Discriminant Validity

پس با توجه به مقادیر پایایی ترکیبی، برازش مناسب مدل اندازه‌گیری تایید می‌شود. روایی همگرا با مقدار ضریب AVE سازه‌ها بررسی می‌شود که میزان همبستگی هر سازه را با پرسش‌های خود نشان می‌دهد. فورنل و لارکر^۱ (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای AVE را ۰/۵ به بالا تعیین کردند. از آن‌جا که تمام مقادیر AVE بالای حد قابل قبول ۰/۵ هستند، بنابراین، روایی همگرا مناسب ارزیابی می‌شود. روایی واگرا سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که دو موضوع را پوشش می‌دهد: الف. مقایسه میزان همبستگی میان نشانگرهای یک سازه با آن در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر؛ و ب. مقایسه میزان همبستگی یک سازه با نشانگرهایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها. برای بررسی روایی واگرا از دو روش ماتریس بارهای عاملی متقابل و روش ماتریس فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده می‌شود که نتایج بررسی نشان می‌دهند که روایی واگرای مدل با استفاده از هر دو روش تایید می‌شود.

ماتریس فورنل و لارکر

باید در نظر داشت که در مدلسازی ساختاری مبتنی بر واریانس^۲ روابط واقعی در مدل مسیر کم‌تر برآورد می‌شوند، در حالی که پارامترهای سنجش مدل‌ها (بارهای عاملی و وزن‌ها) بیش‌تر برآورد می‌شوند. از این ویژگی (روابط مدل ساختاری کم‌تر و روابط مدل سنجش بیش‌تر برآورد می‌شوند) تحت عنوان تورش^۳ PLS-SEM نام می‌برند. تنها زمانی که تعداد مشاهده‌ها و تعداد نماگرها برای هر متغیر مکنون افزایش می‌یابد، این تورش از بین می‌رود. به هر حال، پژوهش‌های شبیه‌سازی شده نشان می‌دهند که تورش PLS-SEM به‌طور معمول در سطح پایینی قرار دارند. بنابراین، اهمیت کم‌تری در بیش‌تر پژوهش‌های تجربی دارند (Ringle et al., 2009). هرچند برآوردهای PLS-SEM دارای تورش هستند، اما توان آماری آن بیش‌تر از CB-SEM است. در نتیجه، PLS-SEM در تشخیص روابط جامعه آماری بهتر است و برای پژوهش‌های اکتشافی مناسب‌تر است.

معیار فورنل-لارکر معیار دیگری برای ارزیابی روایی تشخیصی است. این معیار مربع دوم AVE را با همبستگی‌های متغیر مکنون مقایسه می‌کند. AVE هر سازه باید بزرگ‌تر از مربع همبستگی آن با دیگر سازه‌ها باشد. جدول (۶) ماتریس برگرفته از روش فورنل و لارکر (۱۹۸۱) را نشان می‌دهد که در قطر اصلی مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند.

1. Fornell & Larcker
2. PLS-SEM
3. Bias

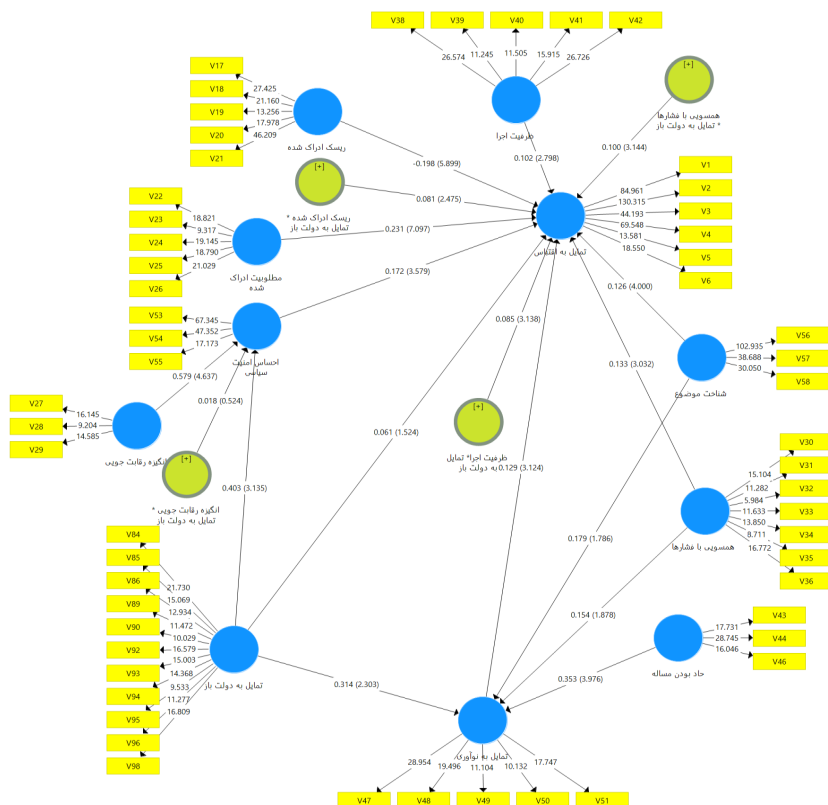
وابسته (تمایل به اقتباس خطمشی) بر مبنای متغیرهای شناسایی شده تبیین‌پذیر است.

جدول ۷: معیار R^2

متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
احساس امنیت سیاسی	۰/۷۲	۰/۷۲
تمایل به اقتباس	۰/۹۷	۰/۹۷
تمایل به نوآوری	۰/۷۹	۰/۷۸

مدل ساختاری

برای ایجاد مدل ساختاری و بررسی تاثیرگذاری متغیرها بر تمایل به اقتباس خطمشی، ابتدا مقادیر T بررسی شده است که با استفاده از دستور خودراه‌اندازی^۱ محاسبه می‌شود. مقادیر T باید از مقدار $1/96$ بیش‌تر یا از $-1/96$ کم‌تر باشند تا معناداری ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید شوند. ضرایب مسیر در خروجی نرم‌افزار PLS دارای مقادیر استانداردشده بین -1 و $+1$ هستند. همان‌طور که در شکل (۳) دیده می‌شود، پس از محاسبه مقادیر T ، تاثیر سازه انگیزه رقابت‌جویی بر تمایل به نوآوری تایید نشده است. اما سایر ضرایب از $1/96$ بیش‌تر هستند که این امر معنادار بودن سایر روابط میان متغیرها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل (۳) دیده می‌شود، با توجه به مقادیر T محاسبه‌شده، تاثیر سازه‌های شناخت موضوع و همسویی با فشارها بر تمایل به نوآوری تایید نشدند. در ضمن، اثر متغیر تمایل به دولت باز به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در روابط برخی از متغیرها بررسی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثر تعدیل‌گر تمایل به دولت باز بر روابط میان شناخت موضوع بر تمایل به نوآوری، احساس امنیت سیاسی بر تمایل به اقتباس، شناخت موضوع بر تمایل به اقتباس، مطلوبیت ادراک‌شده بر تمایل به اقتباس، حاد بودن مساله بر تمایل به نوآوری، همسویی با فشارها بر تمایل به نوآوری، و تمایل به نوآوری بر تمایل به اقتباس مورد تایید قرار نگرفتند. لازم به توضیح است که در شکل (۳)، مقادیر T در کنار ضرایب مسیر در درون پرانتز نمایش داده شده‌اند.



شکل ۳: مدل تمایل خط‌مشی‌گذاران به اقتباس خط‌مشی در حالت معناداری ضرایب مسیر

بررسی پرسش‌های پژوهش

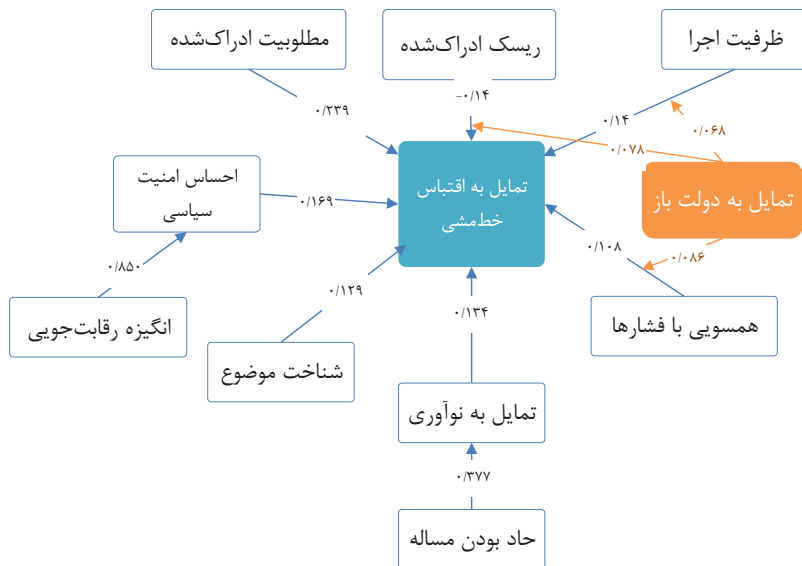
به‌طور کلی، با در نظر گرفتن مقادیر T در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه‌های آماری مربوط به پرسش‌های فرعی پژوهش در جدول (۸) مورد آزمون قرار گرفتند. همان‌طور که در این جدول دیده می‌شود، به جز دو پرسش پژوهشی ۸ و ۹ فرضیه‌های آماری مربوط به دیگر پرسش‌های پژوهش، در فاصله اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شوند.

جدول ۸: آزمون فرضیه‌ها و پاسخ به پرسش‌های فرعی پژوهش

کد	فرضیه آماری	T-Values	نتیجه	ضریب مسیر
	ریسک ادراک‌شده بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر منفی و معنادار دارد.	۵/۶۴۷	تایید	-۰/۲۰۴
	مطلوبیت ادراک‌شده بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۷/۲۶۶	تایید	۰/۲۳۹
	ظرفیت اجرای خطمشی بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۳/۱۰۴	تایید	۰/۱۱۳
	تمایل به نوآوری بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۲/۷۰۴	تایید	۰/۱۳۴
	شناخت موضوع بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۳/۷۴۳	تایید	۰/۱۲۹
	همسویی با فشارها بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۲/۶۳۸	تایید	۰/۱۰۸
	احساس امنیت سیاسی بر تمایل به اقتباس خطمشی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۳/۰۷۴	تایید	۰/۱۶۹
	شناخت موضوع بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر متغیر تمایل به نوآوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۱/۶۹۳ و ۲/۷۰۴	رد	۰/۰۲۳
	همسویی با فشارها بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر متغیر تمایل به نوآوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۱/۵۹۳ و ۲/۷۰۴	رد	۰/۰۱۷
	حاد بودن مساله بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر متغیر تمایل به نوآوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۴/۵۲۵ و ۲/۷۰۴	تایید	۰/۰۵
	انگیزه رقابت‌جویی بر تمایل به اقتباس خطمشی از مسیر متغیر احساس امنیت سیاسی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۱۹/۴ و ۳/۰۷۴	تایید	۰/۱۴۳
	تمایل به دولت باز، تأثیر ریسک ادراک‌شده را بر تمایل به اقتباس خطمشی تعدیل می‌کند.	۲/۲۵۰	تایید	۰/۰۷۸
	تمایل به دولت باز، تأثیر ظرفیت اجرای خطمشی را بر تمایل به اقتباس خطمشی تعدیل می‌کند.	۲/۰۳۲	تایید	۰/۰۶۸
	تمایل به دولت باز، تأثیر همسویی با فشارها را بر تمایل به اقتباس خطمشی تعدیل می‌کند.	۲/۱۲۰	تایید	۰/۰۸۶

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، تدوین مدل ساختاری تمایل به اقتباس خطمشی‌های عمومی در میان بازیگران سیاسی است. از این رو، با تکیه بر نظریه‌های موجود، و اخذ نظر خبرگان، مدل مفهومی تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز در ایران بر مبنای چارچوب اشاعه خطمشی به‌دست آمده است و مورد آزمون قرار گرفت. مدل نهایی پژوهش در شکل (۴) منعکس شده است.



شکل ۴: مدل تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز در ایران

همان‌طور که در مدل نهایی پژوهش دیده می‌شود، می‌توان تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز را به عنوان تابعی از متغیرهای زیر در نظر گرفت که همگی در سطح فردی قرار دارند: (۱) مطلوبیت ادراک‌شده؛ (۲) احساس امنیت سیاسی؛ (۳) تمایل به نوآوری خطمشی‌گذاران؛ (۴) شناخت موضوع؛ (۵) ظرفیت اجرای خطمشی (ادراک‌شده)؛ (۶) همسویی با فشارها؛ و (۷) ریسک ادراک‌شده. در ضمن، مطابق مدل نهایی پژوهش، تمایل به دولت باز، روابط بین سه متغیر مستقل (همسویی با فشارها، ظرفیت اجرا، و ریسک ادراک‌شده) را با متغیر وابسته (تمایل به اقتباس خطمشی) تعدیل می‌کند. به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش در قالب مدل ریاضی به شرح زیر تبیین‌پذیر است:

$$TPA = 0.23PU - 0.14PR + 0.14PIC + 0.12IR + 0.10AP + 0.13TI + 0.16SPS + 0.06PIC * OG + 0.06AP * TOG + 0.7PR * TOG$$

که در آن TPA نشانگر تمایل به اقتباس خطمشی، PU بیانگر مطلوبیت ادراک‌شده، PR نشانگر ریسک ادراک‌شده، PIC نشان‌دهنده ظرفیت اجرای خطمشی، IR معرف شناخت موضوع، AP بیانگر همسویی با فشارها، TI نشانگر تمایل به نوآوری، SPS نشان‌دهنده احساس امنیت سیاسی، و TOG نشانگر تمایل به دولت باز است. با توجه به مدل ساختاری، مطلوبیت ادراک‌شده از اقتباس خطمشی دولت باز (PU) با ضریب رگرسیونی $0/23$ یک متغیر کلیدی تأثیرگذار بر اقتباس خطمشی دولت باز است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن نماگرهای این متغیر، برنامه‌های آموزشی مناسبی برای آشنایی خطمشی‌گذاران با مزایای اقتباس خطمشی با تأکید بر محورهای زیر برگزار شود: (۱) تجربه خطمشی‌گذاری دیگر کشورها در زمینه دولت باز؛ (۲) تبیین ارتباط توسعه با کیفیت خطمشی‌گذاری؛ (۳) دانش نوین خطمشی‌گذاری؛ و (۴) خطمشی‌گذاری و تفکر راهبردی.

مطابق مدل ساختاری، ریسک ادراک‌شده (PR) با ضریب رگرسیونی $-0/14$ یکی دیگر از متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر تمایل به اقتباس خطمشی است. هرچقدر ریسک ادراک‌شده بالاتر باشد، تمایل به اقتباس خطمشی از سوی بازیگران سیاسی کمتر خواهد بود. به هر حال، با در نظر گرفتن نماگرهای سنجش این متغیر، توصیه می‌شود تا با برگزاری نشست‌های تخصصی، همایش‌های ملی، و منابع علمی، ریسک‌های اقتباس خطمشی دولت باز (مانند تعارض‌آفرینی، هزینه‌زا بودن، احتمال شکست ناشی از سازگار نبودن با شرایط بومی) و راهکارهای مدیریت این ریسک‌ها برای نمایندگان مجلس تشریح شوند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که «ادراک از ظرفیت اجرای خطمشی» بر تمایل خطمشی‌گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز تأثیرگذار است. همچنین، تولبرت و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که ظرفیت نهادی حکومت محلی در زمینه فناوری اطلاعات عامل بسیار مهمی است که می‌تواند نوآوری در دولت دیجیتال را تحت تأثیر قرار دهد. در پژوهش دیگری توسط گریملیخویسن و فینی^۱ (۲۰۱۶) نیز، عوامل ساختاری شامل ظرفیت سازمانی و ظرفیت فناوری را به عنوان یکی از عوامل موثر در اقتباس دولت باز مطرح می‌کنند. از این‌رو، ارتقای ظرفیت‌های اجرای خطمشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای موفقیت‌آمیز خطمشی و افزایش میل به اقتباس آن خواهد داشت. بنابراین، اتخاذ راهکارهایی برای افزایش حمایت لازم از سوی مراجع مختلف (رسانه‌ها، مردم یا مسئولان)، ارتقای ظرفیت نهادی، تأمین منابع لازم (مالی، انسانی، و تجهیزاتی)، بهبود زیرساخت‌های فناوری و فناوری اطلاعات، و همچنین ایجاد هماهنگی و همکاری لازم میان سازمان‌های مجری خطمشی‌ها و تدوین‌کنندگان خطمشی پیشنهاد می‌شود.

مدل نهایی این پژوهش نشان می‌دهد که «شناخت موضوع» بر تمایل خطمشی‌گذاران به

1. Grimmellikhuijsen & Feeney

اقتباس خطمشی دولت باز تاثیرگذار است. از این رو، پیشنهاد می شود که اتخاذ رویکرد مناسب برای افزایش آگاهی و شناخت نمایندگان مجلس از یک سو، و مقامات دولتی خطمشی گذار و تصمیم گیر از سوی دیگر نسبت به دولت باز، مزایا، اثرها، و نقش آن ها در بهبود کارایی و اثربخشی از راه های گوناگون در دستور کار نهادهای ذی ربط قرار گیرد.

نتایج پژوهش نشان می دهند که تمایل به همسویی با فشارها بر تمایل خطمشی گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز تاثیرگذار است. بنابراین، با افزایش مطالبات رسانه ها، گروه های نفوذ و شهروندان، تمایل خطمشی گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز افزایش خواهد یافت. در نتیجه، اطلاع رسانی مناسب به مردم و رسانه ها در خصوص حقوق شهروندی ایشان از منظر دولت باز، مطالبات عمومی را در این راستا افزایش خواهد داد. از سوی دیگر، آگاهی نمایندگان مجلس و مقامات دولتی از وضعیت پیشرفت دولت باز در کشورهای پیشرو، کشورهای همسایه، کشورهای رقیب ایران از نظر اقتصادی، دولت های رقیب ایران از نظر سیاسی (و همسو با ایدئولوژی های حاکم بر نظام سیاسی ایران) و همچنین، توصیه های سازمان های بین المللی، تمایل آن ها را به اقتباس خطمشی دولت باز افزایش خواهد داد. پس سازوکارهای اطلاع رسانی و آگاه سازی مناسب از کانال های مناسب در این راستا مهم هستند.

نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می دهند که تمایل به نوآوری بر تمایل خطمشی گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز تاثیرگذار است. بنابراین، ترغیب نمایندگان و مقامات دولتی از راه های گوناگون به استفاده از ایده های جدید برای ایجاد تغییر، بکارگیری راه حل های ابتکاری در حل مسائل عمومی، استفاده از تکنولوژی های نوین در بهبود امور و همچنین، افزایش آگاهی آن ها نسبت به نوآوری های بکار گرفته شده در سایر کشورها در افزایش تمایل به اقتباس خطمشی دولت باز موثر خواهد بود.

نتایج پژوهش نشان از اثر مثبت احساس امنیت سیاسی بر تمایل خطمشی گذاران به اقتباس خطمشی دولت باز دارد. از این رو، انجام تمهیدهایی مانند ایجاد فضای باز سیاسی، تعمیق سازوکارهای دموکراسی، و رعایت بی طرفی نهادهای قضایی و امنیتی می توان احساس امنیت سیاسی را در میان بازیگران سیاسی افزایش داد. و در پایان، نتایج پژوهش نشان می دهد که تمایل به دولت باز در نقش متغیر تعدیل گر ظاهر می شود. بنابراین، با گسترش سازوکارهای دولت باز در اداره کشورها و به تبع آن، افزایش تمایل خطمشی گذاران به تدوین خطمشی مناسب در این زمینه، می توان انتظار داشت که تمایل به اقتباس خطمشی در میان بازیگران سیاسی تقویت شود. فعالیت های پژوهشی در بیش تر موارد با محدودیت ها و موانعی همراه است. این پژوهش نیز از

این قاعده مستثنی نیست. از محدودیت‌ها می‌توان به محدودیت ذاتی پرسشنامه اشاره کرد. با توجه به این که پرسشنامه، ادراک افراد از واقعیت را می‌سنجد، ممکن است که این ادراک‌ها به‌طور کامل با واقعیت تطبیق نداشته باشند. دیگر محدودیت این پژوهش، محدودیت تعمیم است. به سخن دیگر، از آن‌جا که شرایط کشورهای توسعه‌یافته، نوظهور و در حال توسعه باهم تفاوت دارند، پس در تعمیم نتایج این پژوهش به دیگر کشورها، باید جانب احتیاط رعایت شود. اگرچه ممکن است که برخی ویژگی‌های مشترک در اقلیم‌های مشابه وجود داشته باشند، اما اقتباس خطمشی، ممکن است که ناشی از عوامل مختلفی باشد که اثرهای آن به زمینه‌های موجود در آن کشور وابسته باشند. بنابراین، باید این نکته را نیز در تعمیم نتایج به کشورهایی با زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی - فرهنگی مختلف در نظر داشت. محدودیت توان آماری تکنیک PLS-SEM را نباید نادیده گرفت. مدل ساختاری مبتنی PLS یکی از تکنیک‌های ناپارامتریک است که در مقایسه با تکنیک‌های آماری پارامتریک از توان آماری پایین‌تری برخوردارند.

با توجه به مسائل جدیدی که در انجام این پژوهش برای پژوهشگر مطرح شده‌اند، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های تکمیلی در زمینه اقتباس خطمشی عمومی انجام شود. از آن‌جایی که واحد تحلیل این پژوهش فرد است، توصیه می‌شود تا دیگر پژوهشگران با تدوین مدل‌های سطح سازمانی و سطح کشوری، دیگر متغیرهای تاثیرگذار را شناسایی کنند تا بتوان به مدل جامعی در تبیین رفتار اقتباس خطمشی عمومی در ایران دست یافت.

منابع

الف) انگلیسی

- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1975). Belief, Attitude, Intention and Behavior: An Introduction to Theory and Research, *Journal of Business Venturing*, 5(1), 177-189.
- Allard, S. W. (2004). Competitive Pressures and the Emergence of Mothers' Aid Programs in the United States. *Policy Studies Journal*, 32(4), 521-544.
- Anderson, J. E. (1975). Public Policy-Making, New York: Praeger.
- Barclay, D.; Higgins, C. & Thompson, R. (1995). The Partial Least Squares (PLS) Approach to Casual Modeling: Personal Computer Adoption and Use as an Illustration, *Technology Studies*, 2(2), 285-309.

- Bearfield, D. A. & Bowman, A. O. M. (2017). Can You Find It on the Web? An Assessment of Municipal E-Government Transparency. *The American Review of Public Administration*, 47(2), 172-188.
- Berry, F. S. & Berry, W. D. (1990). State Lottery Adoptions as Policy Innovations: An Event History Analysis. *American Political Science Review*, 84(2), 395-415.
- Berry, F. S. & Berry, W. D. (2018). Innovation and Diffusion Models in Policy Research Theories of the Policy Process (pp. 263-308): Routledge.
- Boushey, G. (2010). *Policy Diffusion Dynamic in America*, New York: Cambridge University Press.
- Braun, D. & Gilardi, F. (2006). Taking "Galton's Problem" Seriously toward a Theory of Policy Diffusion, *Journal of Theoretical Politics*, 18(3), 298-322.
- Brewer, G. D. & Deleon, P. (1983). *The Foundations of Policy Analysis*, Homewood, IL: Dorsey Press.
- Brooks, S. M. (2006). Competitive Diffusion: Understanding the Spread of Structural Pension Reforms Across Nations, Paper Prepared for the ECPR Diffusion Workshop, Nicosia.
- Chatfield, A. T. & Reddick, C. G. (2016). *Open Data Policy Innovation Diffusion: An Analysis of Australian Federal and State Governments*. Paper Presented at the Proceedings of the 17th International Digital Government Research Conference on Digital Government Research.
- Chen, Y.; Yan, X.; Fan, W. & Gordon, M. (2015). The Joint Moderating Role of Trust Propensity and Gender on Consumers' Online Shopping Behavior. *Computers in Human Behavior*, 43(1), 272-283.
- Dawes, S. S.; Vidiyasova, L. & Parkhimovich, O. (2016). Planning and Designing Open Government Data Programs: An Ecosystem Approach. *Government Information Quarterly*, 33(1), 15-27.
- Doyle, D. (2015). *Open Government Data. An Analysis of the Potential Impacts of an Open Data Law for Washington State*. (Master of Arts in Policy Studies), University of Washington Bothell.
- Doyle, W. R. (2006). Adoption of Merit-Based Student Grant Programs: An Event History Analysis. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 28(3), 259-285.
- Dye, T. (2013). *Understanding Public Policy*, New Jersey: Prentice-Hall, Englewood Cliffs.
- Einstein, K. L.; Glick, D. M. & Palmer, M. (2019). City Learning: Evidence of Policy Information Diffusion from a Survey of US Mayors. *Political Research Quarterly*, 72(1), 243-258.

- Feiock, R. C. & West, J. P. (1993). Testing Competing Explanations for Policy Adoption: Municipal Solid Waste Recycling Programs. *Political Research Quarterly*, 46(2), 399-419.
- Fornell, C. G. & Larcker, D. F. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
- Gascó-Hernández, M. (2014). *Open Government: Opportunities and Challenges for Public Governance* (Vol. 14): Springer.
- Gilardi, F.; Shipan, C. R. & Wüest, B. (2017). *The Diffusion of Policy Frames: Evidence from a Structural Topic Model*. University of Zurich.
- Gray, V. (1973). Innovation in the States: A Diffusion Study, *American Political Science Review*, 67(4), 1174-1185.
- Grimmelikhuisen, S. G. & Feeney, M. K. (2016). Developing and Testing an Integrative Framework for Open Government Adoption in Local Governments. *Public Administration Review*, 77(4), 579-590.
- Grimmelikhuisen, S. G. & Welch, E. W. (2012). Developing and Testing a Theoretical Framework for Computer-Mediated Transparency of Local Governments. *Public Administration Review*, 72(4), 562-571.
- Hair, J. F.; Ringle, C. M. & Sinkovics, R. R. (2011). PLS-SEM Indeed a Silver Bullet, *Journal of Marketing Theory and Practice*, 19(2), 134-147.
- Hair, J. F.; Hult, G. T. M.; Ringle, C. M. & Sarstedt, M. (2014). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)*, Los Angeles: Sage.
- Hearn, J. C. & Griswold, C. P. (1994). State-Level Centralization and Policy Innovation in U.S. Postsecondary Education, *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 16(2), 161-190.
- Hirunyawipada, T. & Paswan, A. K. (2006). Consumer Innovativeness and Perceived Risk: Implications for High Technology Product Adoption. *Journal of Consumer Marketing*, 23(4), 182-198.
- Hsu, S. H.; Chen, W. H. & Hsieh, M. J. (2006). Robustness Testing of PLS, LISREL, EQS and ANN-based SEM for Measuring Customer Satisfaction, *Total Quality Management*, 17(3), 355-371.
- Hulland, J. (1999). Use of Partial Least Squares (PLS) in Strategic Management Research: a Review of Four Recent Studies. *Strategic Management Journal*, 20(2), 195-204.
- Ito, S. (2001). Shaping Policy Diffusion: Event History Analyses of Regional Laws in Japanese Prefectures, *Japanese Journal of Political Science*, 2(2), 211-235.

- Jones, R. E. (1970). Decision-Making, *Political Studies*, 18(1), 121-125.
- Jung, K. & Park, H. W. (2015). A Semantic (Triz) Network Analysis of South Korea's "Open Public Data" Policy. *Government Information Quarterly*, 32(3), 353-358.
- Karamagioli, E.; Staiou, E.-R. & Gouscos, D. (2014). Can Open-Government Models Contribute to More Collaborative Ways of Governance? *Open Government* (pp. 37-50): Springer.
- Karch, A. (2007). Emerging Issues and Future Directions in State Policy Diffusion Research. *State Politics & Policy Quarterly*, 7(1), 54-80.
- Kim, D. J.; Ferrin, D. L. & Rao, H. R. (2008). A Trust-Based Consumer Decision-Making Model in Electronic Commerce: The Role of Trust, Perceived Risk, and their Antecedents. *Decision Support Systems*, 44(2), 544-564.
- Lasswell, H. D. (1956). *The Decision Process: Seven Categories of Functional Analysis*. College Park. Maryland: Bureau of Government Research, University of Maryland.
- Lee, M. C. (2009). Factors Influencing the Adoption of Internet Banking: An Integration of TAM and TPB with Perceived Risk and Perceived Benefit. *Electronic Commerce Research and Applications*, 8(3), 130-141.
- Maggetti, M. & Gilardi, F. (2016). Problems (and Solutions) in the Measurement of Policy Diffusion Mechanisms. *Journal of Public Policy*, 36(1), 87-107.
- Mintrom, M. & Vergari, S. (1996). Advocacy Coalitions, Policy Entrepreneurs and Policy Change, *Policy Studies Journal*, 24(3), 420-434.
- Nakamura, R. T. (1987). The Textbook Policy Process and Implementation Research. *Review of Policy Research*, 7(1), 142-154.
- Nicholson-Crotty, S. (2004). The Politics and Administration of Privatization: Contracting Out for Corrections Management in the United States. *Policy Studies Journal*, 32(1), 41-57.
- Noblit, G. W. & Hare, R. D. (1988). *Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies*. Sage.
- Nunnally, J. (1978). *Psychometric Theory* (2nd edit.) McGraw-Hill. Hillsdale, NJ, 416.
- Parycek, P. & Sachs, M. (2010). Open Government–Information Flow in Web 2.0. *European Journal of E-Practice*, 9(1), 1-70.
- Relly, J. E. (2012). Freedom of Information Laws and Global Diffusion: Testing Rogers's Model. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 89(3), 431-457.

- Ringle, C. M.; Wende, S. & Will, A. (2009). The Finite Mixture Partial Least Squares Approach: Methodology and Application. In: V. Esposito Vinzi, W. W. Chin, J. Henseler & H. Wang (Eds), *Handbook of Partial Least Squares: Concepts, Methods, and Applications*. Berlin: Springer (in print).
- Rogers, E. M. (2010). *Diffusion of Innovations*, New York: Free Press.
- Rogers, E. M. & Shoemaker, F. F. (1971). *Communication of Innovations: A Cress-Cultural Approach*.
- Sabatier, P. A. & Weible, C. M. (2014). *Theories of the Policy Process*: Westview Press.
- Sandelowski, M.; Barroso, J. & Voils, C. I. (2007). Using Qualitative Meta Summary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings. *Research in Nursing & Health*, 30(1), 99-111.
- Savage, R. L. (1985). Diffusion Research Traditions and the Spread of Policy Innovations in a Federal System. *Publius: The Journal of Federalism*, 15(4), 1-28.
- Shipan, C. R. & Volden, C. (2008). The Mechanisms of Policy Diffusion. *American Journal of Political Science*, 52(4), 840-857.
- Shkabatur, J. & Peled, A. (2016). *Sustaining the Open Government Data Movement Worldwide: Insights from Developing Countries*. Paper Presented at the 2016 Conference for E-Democracy and Open Government (CeDEM).
- Slovic, P. (1993). Perceived Risk, Trust, and Democracy. *Risk Analysis*, 13(6), 675-682.
- Stream, C. (1999). Health Reform in the States: A Model of State Small Group Health Insurance Market Reforms, *Political Research Quarterly*, 52(3), 499-525.
- Sugiyama, N. B. (2011). Bottom-p Policy Diffusion: National Emulation of a Conditional Cash Transfer Program in Brazil. *Publius: The Journal of Federalism*, 42(1), 25-51.
- Tenenhaus, M.; Esposito Vinzi, V.; Chatelin, Y. -M. & Lauro, C. (2005). PLS Path Modeling. *Computational Statistics & Data Analysis*, 48(1), 159-205.
- Tolbert, C. J.; Mossberger, K. & McNeal, R. (2008). Institution, Policy Innovation and E-Government in American States. *Public Administration Review*, 68(3), 549-563.
- Veljković, N.; Bogdanović-Dinić, S. & Stoimenov, L. (2014). Benchmarking Open Government: An Open Data Perspective. *Government Information Quarterly*, 31(2), 278-290.
- Venkatesh, V. & Davis, F. D. (2000). A Theoretical Extension of the Technology Acceptance Model: Four Longitudinal Field Studies. *Management Science*, 46(2), 186-204.

Walker, J. L. (1969). The Diffusion of Innovations among the American States, *The American Political Science Review*, 63(3), 880-899.

Wirtz, B. W. & Birkmeyer, S. (2015). Open Government: Origin, Development, and Conceptual Perspectives. *International Journal of Public Administration*, 38(5), 381-396.

A Model for Willingness to Adopt Open Government Policies in Iran

Farajollah Rahnavard¹ Associate Professor, Department of public Administration, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran (Corresponding Author).

Noushin Momen-Kashani² Ph.D. Student in Public Policy, Institute for Management and Planning Studies (IMPS), Tehran, Iran.

Mahmoud Shirazi³ Assistant Professor, Department of Industrial Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mahdy Mortazavi⁴ Associate Professor, Department of Industrial Management, Faculty of Management Economic, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

Based on the policy diffusion framework, some policies are adopted by policy makers. On the other hand, the 'open government concept' offers options to solve problems and challenges faced by governments, including corruption, distrust among citizens towards the government, weak inter-relationship between government and citizens, and weak cooperation and interaction among components of the administrative system. This study aims at generalizing the effectiveness of the policy-making system of the country, and analyzing the willingness of policy makers to adopt open government policy. To reach this end, an exploratory mixed research was applied. In the qualitative section, using the meta-ethnography method, factors affecting policy makers' tendency to adopt policy in Iran and the relationships among the variables involved were identified. At the quantitative stage, after conducting a survey and analyzing the collected data, a final model was presented. The results of the research, based on the analysis of 116 policy makers' answers, indicate that 'perceived utility', 'perceived risk', 'perception of policy implementation capacity', 'competitiveness motivation', 'issue recognition', 'dealing with pressures', 'tendency to innovation', 'perceived political security' and 'acuteness of a given problem', all have a positive impact on willingness to adopt policy. Also, willingness to open government moderates the effects of 'perceived risk', 'perceived policy capacity' and, 'dealing with pressures' on tendency to adopt policies. Finally, recommendations for researchers and managers are presented.

Keywords: Policy Adoption, Policy Diffusion, Open Government, Transparency, Accountability, Citizen Participation.

1. frahnavard@imps.ac.ir
2. n.momenkashani@imps.ac.ir
3. m-shirazi@sbu.ac.ir
4. mortazavi@modares.ac.ir